

پیام به

سیمینار بین المللی پیرامون درس آموزی

تئوریک و عملی از انقلاب اکتوبر

به ابتکار

سازمان (ایکور – ICOR) و «کنفرانس بین المللی احزاب و سازمان های مارکسیست – لنینیست»

(ICMLPO)

به مناسبت صدمین سالگرد انقلاب کبیر اکتبر

۲۵ اکتوبر ۲۰۱۷

رفقای ارجمند شرکت کننده در آن گردهمایی بزرگ جهانی!

با تقدیم درود های رزم خدمت یکایک نمایندگان احزاب و سازمان های مارکسیست – لنینیست جهان در آن اجلاس بزرگ و با تشکر از دعوت برگزار کنندگان آن مناسبت سترگ برای اشتراک ما، از این که به دلیل شرایط ویژه حاکم و معاذیر تکنیکی قادر نیستیم تا در آن اجلاس شکوهمند و آموزنده اشتراک ورزیم، مایه تأسف ما است.

رفقاء می دانند که ارزیابی همه جانبه از زوایای مختلف انقلاب کبیر اکتبر این شگرف ترین پدیده انقلابی قرن بیستم و استخراج و توضیح درس های مبارزاتی لازم از دستاورد ها و کاستی های آن برای انجام بی انحراف وظائف انقلابی دموکراتیک و سوسیالیستی امروز و فردا، امری است نهایت خطیر و حیاتی. با استقبال از عطف توجه شما رفقاء به این مسأله مبارزاتی شاخص و ارجناک، یقین و انتظار داریم که سیمینار تئوریک تان در حد توان، به این مهم خواهد پرداخت.

ما با زیستن و مبارزه کردن در شرایط دشوار افغانستان اشغالی در تحت سیطره خونین و جابر امپریالیست های اشغالگر امریکا و ناتو و ارتجاع خونریز بومی، در موقعیتی نیستیم که با مراجعه به منابع و مآخذ لازم، اهم تلاش و توجه خود را وقف انجام این امر

سترگ بنمائیم. بناءً، با واگذاری این وجیبه دشوار به شما رفقاء، طی این نامه صرفاً به نکات و جوانب معینی از پدیده چند بعدی اکتوبر اشارات کوتاهی می‌کنیم.

با ارسال این مختصر، خواستیم تا موافقت و تحسین خود را با شما در این امر شریفانه انقلابی شریک ساخته و به صورت غیرمستقیم، در آن اجلاس مشترک با شما رفقا حضور به هم رسانیم.

انقلاب کبیر اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه، شگرف‌ترین و تأثیرگذارترین تغییر انقلابی ایست که قرن بیستم به خود دیده است. این انقلاب، بزرگ‌ترین دست‌آورد در مبارزه طبقاتی پرولتاریای روس تحت هدایت آموزه انقلابی مارکسیسم - لنینیسم و به پیش‌آهنگی حزب پرولتری آبدیده بلشویک محسوب می‌شود. لنین چهار سال پس از حصول این دست‌آورد مبارزه طبقاتی، آن را چنین توصیف کرد: "نخستین انقلاب بلشویکی، نخستین صد میلیون مردم روی زمین را از چنگ جنگ امپریالیستی و جهان امپریالیستی بدر آورد." (۱)

پیروزی انقلاب اکتبر به بیان لنین در "یکی از قدیمی‌ترین، مقتدرترین، وحشیانه‌ترین و ددمنشانه‌ترین رژیم‌های سلطنتی" و "تکیه‌گاه ارتجاع"؛ "پرولتاریای روس را پیش‌آهنگ پرولتاریای انقلابی بین‌المللی" مبدل کرده و به پرولتاریا و کمونیست‌های باختر سرمایه‌داری و خلق‌های در زنجیر و تحت ستم خاور و جنوب از قول طلایه‌دار این انقلاب پیام داد که "از این دوزخ نمی‌توان جز از راه مبارزه بلشویکی و انقلاب بلشویکی رهائی جست".

انقلاب اکتوبر در تداوم ظفرنموش ضمن پرداختن به کارزار سازندگی سوسیالیستی در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی، تکنیکی و ایدئولوژیک؛ با غلبه بر توطئه‌ها و تجاوزات مشترک امپریالیست‌های باختر و ارتجاع شکست‌خورده روسیه (دول عضو ائتلاف شامل انگلستان، فرانسه و امریکا و کلچاک و دنیکیین "جنرال‌های شکست‌خورده روسیه تزاری")؛ با کسب دست‌آورد‌های شگرف و خیره‌کننده از لحاظ کمی و کیفی با آن سرعت بی‌سابقه با هدایت فکری مارکسیسم - لنینیسم، با پیش‌آهنگی حزب بلشویک به انکاء شور و خلاقیت شورا‌های کارگری - دهقانی و بسیج زحمتکشان فکری (روشنفکران)؛ کار "برانداختن بقایای نظامات قرون وسطائی و زدودن این بقایا تا آخر و تصفیه روسیه از وجود این بربریت، از این ننگ و از این بزرگ‌ترین ترمز هرگونه فرهنگ و هرگونه پیشرفت" را به اتمام رسانیده و علی‌رغم "مصائب دوران انتقال" با اعتماد به نفس معماران آن، در راه تأسیس کشور سوسیالیستی و دژی نیرومند و مستحکم انقلابی، پیش‌رفت.

پس از پیروزی انقلاب اکتوبر، حزب بلشویک با طرد انترناسیونال دوم، انترناسیونال سوم را در جنوری سال ۱۹۱۹ فراخوانده و سال بعد در آستانه گنکره دوم کمینترن، لنین در ماه جون طرح اولیه تزهای مربوط به مسئله ملی و مستعمراتی را بیرون داد. کنگره دوم کمینترن با تصویب طرح لنین، به اشتراک ۴۱ نماینده از احزاب و سازمان‌های کمونیستی خاور و باختر ضمن محکوم کردن "ستمگری دیرین دول امپریالیستی بر خلق‌های مستعمرات و خلق‌های ضعیف" و "توده‌های زحمتکش کشورهای ستمکش"؛ بر "لزوم کمک همه احزاب کمونیست به جنبش‌های بیخ‌بورش بورژوا - دمکراتیک" کشور‌های تحت ستم رهنمود داده و تأکید عملی ورزید.

تأثیرگذاری روند پیروزمند و پیشرونده انقلاب بزرگ اکتوبر بر مبارزات پرولتاریا و کمونیست‌های باختر و خلق‌ها و آزادخواهان دنیای مستعمرات خاور و جنوب، همزمان اهمیت فراقاره‌ئی یافته بود و لنین خیلی به موقع با درک این "اهمیت جهانی

رهائیبخش " انقلاب اکتوبر، این تأثیرگذاری را بر ملل شرق و غرب و الهام از آن را، در یک سری سیاست ها و قطعنامه های کمینترن گنجانید.

نواختن بر شیپور پیروزی انقلاب اکتوبر، غلبه بر دشمنان داخلی و خارجی توأم با استقرار و سازندگی سوسیالیستی، موجد آن صلاهی مبارزاتی ای بود که به «بیداری آسیا» منجر شده و خلق های اسیر خاور با شنیدن این صلا و با دیدن این دژ و پشتگاه انقلابی، قامت راست کرده و به پا خاستند. مائو تسه دون در چین، ضمن استقبال از پدیده اکتوبر، در باره اهمیت تئوری انقلابی رهگشای مارکسیسم - لنینیسم و دستیابی خلق ستمکش چین بدان و بیداری وی در روشنائی آن، گفت که: " شلیک توپ های انقلاب اکتبر در روسیه مارکسیسم - لنینیسم را برای چین به ارمغان آورد".

آری! در فردای پیروزی انقلاب اکتوبر و در فردای اختتام جنگ امپریالیستی جهانی اول، خلق ستمدیده و آزادیخواهان افغان با شنیدن صدای آن توپ ها و با الهام از مبارزات پیروزمند در همسایگی شمالی شان و در گرماگرم مبارزات رهائی بخش خلق های مستعمرات دولت استعمارگر امپریالیستی انگلستان آن روز در آسیا و افریقا، در سال ۱۹۱۹ پس از مصاف ضد استعماری پیروزمند با استعمارگر انگلیس در شکل قیام ملی به زعامت شاه امان الله، با طرح بورژوا - دموکراتیک در افغانستان درفش استقلال برافراشتند. «اولین دولتی که این استقلال افغانستان را به رسمیت شناخت، دولت جوان شوراها به رهبری لنین بود. لنین ضمن به رسمیت شناختن دولت پادشاهی ضد استعمار انگلیس در افغانستان، تمام قرارداد های اسارتبار قبلی روسیه تزاری با حاکمان قبلی افغانستان را منسوخ اعلام داشت. بعد از اعلام استقلال افغانستان در ۲۸ فبروری ۱۹۱۹ پادشاه افغانستان... از همه اول تر به شناختن دولت شوروی فدرالی روسیه و ایجاد مناسبات سیاسی، توسط مکاتبه و مبادله نمایندگان سیاسی پرداخت. دولت شوروی در ۲۷ مارچ ۱۹۱۹ توسط اعلامیه ئی استقلال افغانستان را رسماً شناخت. شاه امان الله خان در ۷ اپریل کتباً پیشنهاد دوستی افغانستان را با دولت شوروی، عنوانی رهبر بزرگ دولت انقلابی شوروی فرستاد...» (۲)

این " شاه امان الله " همان امیر افغان است که ستالین در "اصول لنینیسم" در موردش نوشت: " مبارزه امیر افغان برای استقلال افغانستان با وجود نظریه سلطنت طلبی او و اعوان و انصارش، از نظر عینی مبارزه انقلابی است، زیرا این مبارزه امپریالیسم را ضعیف و قوایش را تجزیه کرده و آن را از ریشه متزلزل می سازد".

انقلاب اکتوبر و دستاورد ها و دگرگونی های انقلابی ای که در عرصه های زیربنائی و روبنائی کسب کرده بود، همراه با دژ و تکیه گاه محکمی که این انقلاب برای انقلاب های خاور و باختر ایجاد کرده بود؛ از حملات چند جانبه واژگون کننده امپریالیستی، از پا نیفتاد. این انقلاب و دستاورد های انقلابی در روند تکامل بعدی خود، با مساعد شدن زمینه های شکست و ربوده شدن دستاورد های خیره کننده انقلابی آن، از درون به تدریج از مواضع سوسیالیستی دور شده و سرانجام تغییر ماهیت داد.

این زمینه ها مدت ها قبل از کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی منعقد سال ۱۹۵۶ و قبل از درگذشت ستالین، ایجاد شده بود:

۱. درک نادرست حزب کمونیست اتحاد شوروی و کمینترن (بعد از مرگ لنین) از راه و نیروی محرکه انقلاب در کشور های تحت سلطه شرق و جنوب دارای ساختار نیمه فئودالی و دیکته و تحمیل کردن این خط نادرست توسط کمینترن (ستالین) بر انقلاب آن کشور ها مثل چین، هسپانیا و غیره به قیمت شکست آن ها یا هدر دادن نیرو و به تعویق افتادن پیروزی؛

۲. تحمیل جنگ دوم جهانی توسط امپریالیست های غربی با همه هزینه های هنگفت اقتصادی و تلفات انسانی آن برای زحمتکشان شوروی و بلعیده شدن منابع اعمار سوسیالیسم؛
۳. عدم وقوع انقلاب های پرولتاریائی در اروپا و امریکای شمالی از ۱۹۱۷ تا زمان بعد از جنگ جهانی دوم؛
۴. به کار نبستن دیالکتیک و مارکسیسم - لنینیسم در امر رهبری و تحلیل مسائل سیاسی، اقتصادی و برنامه ریزی؛
۵. درک نادرست از مبارزه طبقاتی در سوسیالیسم و پایان یافته اعلام داشتن طبقات و مبارزه طبقاتی توسط ستالین؛
۶. از دست دادن کادر های برجسته حزبی به حیث معماران سوسیالیسم؛
۷. تضعیف رهبری جمعی و سائر موارد...

پس از درگذشت ستالین و به میان آمدن خروشچف خائن و تدویر کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی، این تغییرات تدریجی عدول از مارکسیسم - لنینیسم، دیالکتیک و مبارزه طبقاتی در سوسیالیسم؛ در نقطه عطفی به تغییر کیفی (قلب ماهیت) سوسیالیسم در اتحاد شوروی منجر شد و کنگره نامبرده همان نقطه عطفی بود که بروز رویزیونیسم، انحراف از مارکسیسم - لنینیسم، خیانت به سوسیالیسم و گام گذاردن در جاده سرمایه داری را رسمیت بخشید.

تحکیم مواضع رویزیونیستی بر سیاست های حزب و دولت شوروی آن وقت و تکامل آن، به "سوسیال امپریالیسم" انجامید؛ سوسیال امپریالیسمی با تمام شاخصه های پنجگانه بارز امپریالیسم که لنین در کتاب «امپریالیسم...» برشمرده بود. در نتیجه، این تکیه گاه انقلابی پرولتاریا، زحمتکشان و خلق های تحت ستم گیتی در مبارزه برای سوسیالیسم و رهائی ملی و اجتماعی، به یکی از مراکز عمده ضد انقلاب جهانی مبدل شده و همزمان با صدور سرمایه بوروکراتیک و سلاح، به صدور ضد انقلاب و رویزیونیسم زرد در پوشش سرخ پرداخت.

هر چند رفیق مائو تسه دون و حزب کمونیست چین همراه با سائر نیرو های اصولی انقلابی وفادار به میراث گرانسنگ اکتوبر و مارکسیسم - لنینیسم، پولیمیک و کارزار مهم تئوریک و ایدئولوژیک - سیاسی ای را علیه رویزیونیسم خروشچفی و سوسیال امپریالیسم به راه انداختند، ولی با تأسف، این تلاش اصولی تا طرح ایجاد یک انترناسیونال جدید بر پایه مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون، تکامل نیافت.

انحراف رویزیونیستی از مسیر انقلاب اکتوبر، تکامل رویزیونیسم تا سوسیال امپریالیسم و از دست رفتن دستاورد های اکتوبر، ابعاد جهانی داشت و بر روند مبارزات انقلابی برای سوسیالیسم و رهائی ملی و اجتماعی کشور های نیازمند انقلاب، تأثیری ناگوار بر جا گذاشت.

همان طور که در ابتداء کشور و مردم افغانستان از پیروزی انقلاب اکتوبر در همسایگی شان تأثیر مثبت برداشتند، این بار کشور، مردم و جنبش نوپای روشنفکری و انقلابی افغانستان از رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم به شدت و عمیقاً متأثر شدند. سوسیال امپریالیست های مسکو از همان اواسط دهه پنجاه م در کشور ما نیز با سیاست های توسعه طلبانه همزمان با صدور سرمایه و سلاح به صدور ضد انقلاب (اندیشه های ضد انقلابی رویزیونیستی و ترویج آن در بین روشنفکران افغان) دست زدند. نتیجه این توسعه جوئی آرام و خزنده، اشغال نظامی کشور ما افغانستان در دسمبر ۱۹۷۹م بود.

این بار نیز خلق آزادی دوست افغان و نیرو های انقلابی آن به مصاف سوسیال امپریالیسم اشغالگر روس رفتند. سازمان ما نیز در پیشاپیش این جنگ مقاومت ملی توده های مردم ما، در اولین روز تجاوز به مجازات اشغالگران روسی پرداخته و از موضع انقلابی در آن نبرد سهم گرفت. سازمان ما در سطح دنیا اولین سازمان انقلابی بود که از موضع مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائو تسه دون "سلاح انتقاد" از رویزیونیسم را تا سطح "انتقاد با سلاح" علیه سوسیال امپریالیسم ارتقاء بخشید. با مداخله امپریالیست های غربی و ارتجاع منطقه از "اسلامیست ها" و بنیادگرایان اسلامی (مجاهدین)، وضع نیرو های انقلابی و ملی - دموکرات کشور ما دشوار تر شد. سازمان ما نسلی از بنیانگذاران و کادر های طراز اولش و صد ها عضو را از دست داد و نیرو های انقلابی به حاشیه رانده شدند.

شایان یادآوری است که اشغالگران رویزیونیست روسی و عمال پلید بومی شان در «حزب دموکراتیک خلق» (PDPA) و دستگاه های شکنجه و جوخه های مرگ آنان به طور عامدانه، بزرگ ترین دشمنی را با مارکسیست - لنینست ها و باورمندان به ارزش های انقلاب اکتبر در افغانستان مرتکب شدند. این دستگاه ها زیر نظر عمال کی جی بی، برای سرکوب و کشتار کمونیست ها و محاکمه زندانیان کمونیست، گروه های تحقیق و دادگاه های ویژه تشکیل دادند.

این جنگ تجاوزکارانه و اشغالگری سوسیال امپریالیسم برای کشور، مردم و نیرو های انقلابی کشور ما خیلی گران تمام شد و اثرات زیانبار ناشی از این تجاوز و پیامد های آن تا اکنون مشهود است:

- دو میلیون کشته (به شمول هزاران تن از رهبران، کادر ها و فعالان جنبش انقلابی و سازمان ما)؛

- حدود ۱۵۰ هزار گمشده (اکثر آنان فعالان سیاسی)؛

- پنج میلیون مهاجر به بیرون؛

- دو میلیون مهاجر داخلی؛

- حدود یک صد هزار معلول؛

- ویرانی ۸۰٪ مساحت کشور خارج از شهر ها؛

- ویرانی همه زیرساخت های اقتصادی افغانستان؛

- سی و شش میلیون ماین کاشته شده (دو ماین برای هر تبعه افغانستان ۱۸ میلیونی)؛

- قدرت گیری ارتجاع اسلامی نوع اخوانی های جهادی و بنیادگرا های طالبانی؛

- و در فرجام مساعد ساختن زمینه ها برای اشغال نظامی کشور ما توسط امپریالیست های اشغالگر امریکا و ناتو.

سوسیال امپریالیسم متجاوز و اشغالگر آن قدر خلق ستمکش و نیرو های انقلابی افغانستان را کوبید، که از فردای تجاوز مشترک امپریالیست های امریکا و ناتو به کشور ما تا همین حالا (هر چند مبارزه مردم و نیرو های انقلابی بر ضد اشغالگران کنونی در اشکال سیاسی و غیره وجود دارد) از بسیج و راه انداختن یک جنبش مقاومت ملی - مردمی عاجز مانده اند. هم اکنون مزدوران رویزیونیست افغانستان با زد و بند با مرتجع ترین نیرو های مذهبی وابسته به ارتجاع فئودالی و امپریالیسم متجاوز، در خدمت سيطرة استعماری امپریالیست های اشغالگر امریکا و ناتو خود را فروخته اند و به خلق ستمدیده و میهن ما خیانت می ورزند. تعدادی از این خودفروختگان و خائنان رویزیونیست بومی بی هراس از مواخذه تاریخ در بیرون از کشور، در فضا های مجازی از وطن فروشی و کشتار و جنایات سیستماتیک حزب و دولت فاشیستی خود و ارباب اشغالگر و جنایتکار روسی شان دفاع می کنند.

این بود داستان دردانگیز خلق دربند و انقلابیون افغانستان از ناحیه خیانت تاریخی رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم به انقلاب اکتوبر، به انقلاب جهانی و رهائی خلق های تحت ستم، جنایات ضد بشری آنان، و شمه ئی از توسعه جوئی امپریالیستی سوسیال امپریالیسم متجاوز روس!

در پیامد خیانت تاریخی رویزیونیسم، جنایت و شکست سوسیال امپریالیسم و در متن تهاجمات گسترده امپریالیسم جهانی بر مارکسیسم - لنینیسم، سوسیالیسم؛ و میراث انقلاب کبیر اکتبر و بر مقدرات پرولتاریا و خلق های تحت ستم دنیا؛ بر کمونیست های انقلابی جهان است که با تأکید مجدد بر بنیاد های ایدئولوژیک، خط سیاسی و موریت گرانبه های انقلابی اکتوبر، خط تمایز بین مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائو تسه دون و سوسیالیسم با انواع رویزیونیسم کهن و مدرن، ترسیم کنند. با ترسیم خط روشن بین انقلاب و انواع ضد انقلاب و استخراج درس های لازم از این همه تجارب مثبت و منفی تاکنونی در راستای تقویت و گسترش ظرفت های انقلابی و امر انقلاب، آن را متناسب با شرایط و ویژگی های انقلاب هر کشوری، با خلاقیت به کار بندند.

با اطمینان که سیمینار تئوریک شما رفقاء به مناسبت صدمین سالگرد انقلاب اکتوبر، اقدام نیکو و ارزشمندی خواهد بود بابت تحقق این مأمول مشترک انقلابی.

- در اهتزاز باد درفش سرخ مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائو تسه دون!

- زنده باد میراث انقلابی اکتوبر!

- زنده باد انترناسیونالیسم انقلابی پرولتاری!

- مرگ بر رویزیونیسم، امپریالیسم و ارتجاع!

سازمان مارکسیست - لنینیست افغانستان (MLOA)

(۱) سخنرانی لنین به مناسبت چهارمین سالگرد انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ مؤرخ ۱۴ اکتبر سال ۱۹۲۱. مندرج در روزنامه "پراودا"، شماره ۲۳۴، مورخ ۱۸ اکتبر سال ۱۹۲۱ م.

(۲) م. غبار: «افغانستان در مسیر تاریخ. جلد اول»